



۲۰۲۱/۰/۰



کانديد اکادميسين سيستاني

شاعران سزاوار تقدير دريك روز مشخص اند!

همزمان باشاعرانيکه درمديحه سرايي شهرت کمایي کرده اند واز راه مدح شاهان مستبد معاصر خود به نام ونوايي رسیده اند، اما بوده اند وهستند شاعران خوبی که ، برضد او هام وخرافات وتعصب و دوروي دکانداران دين و واعظان متعصب به پیکار برخاسته و با اشعار انتقادی خود خواسته اند مردم را از افتادن در دام فریب خرقه پوشان سالوس و زاهد نمایان برحذر دارند. نخستين شاعری که بعد از ابن سینا و زکریا رازی، در این راه پیشگام شد، خیام نیشاپوری بود. بقول صادق هدایت، نویسنده مشهور ایران: «جنگ خیام با خرافات و موهومات و محیط خودش در سرتاسر ترانه های او آشکار است و تمام زهرخنده های او شامل حال زهاد و فقها و الهیون می شود. خیام همه مسایل ماوراء مرگ را با لحن تمسخرآمیز و مشکوک و به طور نقل قول با «گویند» شروع می کند:

گویند «بهشت و حورعین خواهد بود
گر ما می و معشوقه گزیدیم چه باک؟
آنجا می ناب و انگبین خواهد بود»
چون عاقبت کار همین خواهد بود!

«گویند بهشت و حور و کوثر باشد
پر کن قدحی باده و بر دستم نه
جوی می و شیر و شهد و شکر باشد»
نقدی ز هزار نسبه بهتر باشد

صادق می افزاید: « به اولین فکری که در رباعیات خیام برمی خوریم این است که گوینده با نهایت جرأت و بدون پروا با منطق بی رحم خودش هیچ سستی، هیچ يك از بدبختیهای فکری معاصرین و فلسفهی دستوری و مذهبی آنها را قبول ندارد و به تمام ادعاها و گفته های آنها پشت پا می زند....» (خیام شاعر، خیام فیلسوف؛ صادق هدایت)

نیما یوشیج را آفریدگار شعر نو دانسته اند، او میگوید که «باید آدم بود و درد کشید و درد را شناخت. آدم بی درد مثل آدم بی جان است. انسان، برای خوردن و نوشیدن و حرص زدن و به چاپلوسی های شرم آور افتادن نیست. موجودیکه اسمش انسان است استعداد دارد که به لذت های عالی دست بیاندازد .» (برگرفته از سایت همبستگی)
نمونه ء شعرنو از فریدون مشیری :

درسوگ انسانیت !

از همان روزی که دست حضرت قابیل
گشت آلوده به خون حضرت هابیل
از همان روزی که فرزندان آدم

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

صدر پیغام آوران حضرت باری تعالی
زهر تلخ دشمنی در خونشان جوشید
آدمیت مُرد ،
گرچه آدم زنده بود .

* * *

از همان روزی که یوسف را برادر ها به چاه انداختند ،
از همان روزی که با شلاق و خون دیوار چین را ساختند ،
آدمیت مرده بود،
گرچه آدم زنده بود.

* * *

قرن ما ، روزگار مرگ انسانیت است ،
سینه دنیا ز خوبی ها تهی است .
صحبت از آزادگی، پاکی، مروت، ابلهی است ،
صحبت از موسی و عیسی و محمد نابجاست ،
قرن موسی جنبه ها است.

* * *

صحبت از پژمردن یک برگ نیست،
وای جنگل را بیابان می کنند !
دست خون آلود را در پیش چشم خلق پنهان میکنند ،
هیچ حیوانی به حیوانی نمیدارد روا ،
آنچه این نامردمان با جان انسان می کنند!

* * *

صحبت از پژمردن یک برگ نیست ،
فرض کن مرگ قناری در قفس هم مرگ نیست ،
فرض کن یک شاخه گل هم در جهان هرگز نرسد ،
فرض کن جنگل بیابان بود از روز نخست ،
در کویری سوت و کور ،
در میان مردمی با این مصیبتها صبور ،
صحبت از مرگ محبت مرگ عشق ،
گفتگو از مرگ انسانیت است!

**من با خود می اندیشم که چرا شاعران، این دراک ترین و حساس ترین وبا عاطفه ترین بخش
جامعه بشری در یک روز مشخص، در سطح بین المللی یا حد اقل در سطح ملی تجلیل و تکریم**

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

نمیشوند؟ چرا سازمان ملل متحد در فکر گرامیداشت آنها نشده و روزی را به این مناسبت معین نکرده است؟

قابل یادآوری است که شعر مثل موسیقی و رسامی و داستان نویسی، از جمله هنرهای ظریفه است. حتی به باور صاحب نظران، "شعر و موسیقی و رقص، رضیع یک پستان و شاگردان یک دبستان اند." البته نقاشی، مجسمه سازی و صنایع مستظرفه دستی و سایر هنرهای نمایشی (سینما و تیاتر) و تصویری (کارتون) نیز از جمله بخش های مهم هنر اند. ما شاهدیم که صاحبان این هنرها بر اساس مهارت های که در بخش هنر خود کسب کرده اند، هنر شان را از طرق مختلفی به نمایش میگذارند و چی بسا که یک نقاش با فروش یک تابلوی هنری، پول گزافی بدست آورد که مصارف چندین سال زندگی او را تکافو نماید، و همچنان یک هنرمند موسیقی ویا سینما و تیاتر نیز ممکن است در بدل اجرای یک کار هنری خود، مزد قابل توجهی بدست آورد، اما شاعر، از شعرش چی بدست می آورد؟ متأسفانه باید گفت هیچ!

امروز، دیگر آن روزگاری نیست که صدها شاعر در دربار سلاطین حضور می یافتند و با خواندن اشعار خود هنرنمایی میکردند و مورد التفات در باریان قرار میگرفتند و از این مدرک نان میخوردند. امروز اگر شاعری، بجای یک شعر ده شعر هم بسراید، مزدی بدست نمی آورد. کلانترین مُزد شاعر، از خواندن شعرش در یک محفل، یک کف زدن خالی و یک آفرین خشک خواهد بود. شاعر امروز، در بهترین حالتش به این دل خوش میکند که ممکن است روزی یک شخص هنردوستی پیدا شود و مصرف چاپ یک مجموعه از اشعارش را قبول کند.

حال اگر در سطح ملی یا بین المللی روزی بنام شاعر مسما گردد و هر سال از مقام معنوی شاعران تقدیر و تجلیل به عمل آید، ممکن است به همین مناسبت در هر کشوری چند مجموعه شعر شاعران چاپ شوند. افزون بر آن، این امکان نیز وجود دارد تا به بهترین مجموعه های شعری جایزه بدهند و برخی شاعران که لیاقت و اهلیت گرفتن جایزه را دارند، ثمره مادی نیز نصیب شوند. این کار بدون شک سبب تشویق شاعران خواهد گردید تا با شور و هیجان بیشتر استعداد و ذوق و خلاقیت خود را بکار اندازند و شعرهای ماندگار برای همه مردم و همه دورانها بسرایند.

بدون تردید شاعران این گروه اجتماعی آگاه و دراک و با عاطفه و ضد ظلم و خشونت و زورگویی و طرفدار صفا و سخا و عدالت و برابری، لیاقت و شایستگی چنین روزی را دارند.

به امید چنین روزی! پایان